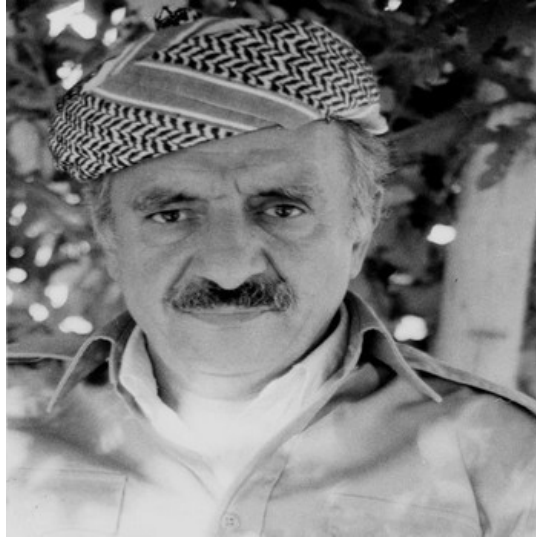


عبدالرحمان قاسملو، رهبر حزب دمکرات کوردستان ایران را همانگونه که بود بشناسیم.



1. مقدمه
2. خانواده و تحصیلات عبدالرحمان قاسملو
3. شروع فعالیت سیاسی قاسملو
4. شروع رهبری قاسملو در حدکا
5. قاسملو و سخنگوئی هیئت نمایندگی خلق کورد
6. تلاش قاسملو در همسو شدن با رژیم اسلامی در سالهای اول انقلاب
7. شیدایی بی فرجام قاسملو به خمینی
8. قاسملو از زبان رفقای حزب یش
9. کریم حسامی
10. منحل کردن اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا توسط قاسملو
11. نظر قاسملو در مورد شکست کردها در سال ۱۹۷۵
12. روش قاسملو برای تغییر رای اعضای کمیته مرکزی
13. جلیل گادانی

14. امور مالی حدکا و قاسملو
15. قاسملو و لیست فیکس در کنگره ۸
16. حسن رستگار
17. رفتار قاسملو با رهبران دیگر کورد
18. قاسملو و لیست فیکس در کنگره ۵
19. هاشم کریمی
20. غنی بلوریان
21. قاسملو و قول همکاری با ساواک
22. چگونگی رهبری خودمحمور
23. قاسملو و رفتار او با اشخاص معتبر در حدکا
24. اعدام اسیران و تجاوز جنسی به جنازه پیشمرگهای زن
25. اسامی احزابی که حدکا مورد هجوم نظامی قرار داده است
26. چرا اعلام جنگ سراسری بر علیه کومه‌له؟
27. مذاکرات حدکا در سال ۱۳۶۳ با رژیم اسلامی و نتایج آن
28. پایان رابطه حدکا و مجاهدین
29. نامه قاسملو در مورد روا دانستن جنگ با کومه‌له
30. سخن پایان

۱. مقدمه

برخی عبدالرحمان قاسملو را پیامبر آشتی و برخی دیگر او را معمار جنگ داخلی و سرکوب قهرآمیز احزاب و دگرانديشان در کوردستان میدانند. با مطالعه و جستجو در زندگی سیاسی قاسملو به اندازه کافی دلیل و برهان یافت میشود که قاسملو هردو صفات را دارا بوده است. قاسملو دو رویکرد و سیاست کاملاً جداگانه در زمینه‌های متفاوت داشته است. این دو روش و عملکرد در دو زمینه متفاوت و از هم جدا عمل کرده اند. رویکرد و سیاست قاسملو در درون حزب دمکرات و در داخل کوردستان در رابطه با دیگر احزاب سیاسی، او خودمحور، ستیزه‌گر، جاه‌طلب و انعطاف ناپذیر بوده است. اما رویکرد و سیاست قاسملو در مقابل دولت مرکزی و رژیم جمهوری اسلامی ایران، صلح‌جو، تسلیم طلب و منعطف بوده است.

انتخاب این دو رویکرد توسط قاسملو نباید اتفاقی بوده باشد، برعکس انتخابی آگاهانه و هدفمند بوده است. برآیند این رویکردها در صورت به فعل تبدیل شدنشان طبق محاسبات قاسملو، می‌توانست ایشان را به هدفش برساند.

برای درک درست و نزدیک شدن به واقعیات در شناخت قاسملو، نخست باید نظری هر چند کوتاه به محیط و شرایط رشد و پرورش او انداخت. هر انسانی محصول شرایط ژنتیکی و محیط زیستی خود است. قاسملو هم همانند یک انسان نمی‌تواند در این مورد استثنا بوده باشد. در ادامه به فعالیتهای سیاسی و نقش او در حزب دمکرات و عملکرد او نسبت به نیروهای دخیل در جنبش انقلابی کوردستان و همچنین عملکرد او در مقابل رژیم اسلامی پرداخته خواهد شد.

متد بکار رفته در این نوشته تکیه دارد بر فاکتهایی از روزنامه‌های نخستین سالهای انقلاب ۱۳۵۷ و دیگر منابع از جمله ۱۸ کتاب از رهبران حدکا که رفیق و همکار قاسملو بوده‌اند.

۲. خانواده و تحصیلات عبدالرحمان قاسملو

قاسملو فرزند محمد خان قاسملو از زمینداران بزرگ و ثروتمند ارومیه بوده است. شاه ایران به محمد خان قاسملو لقب وثوق الدیوان داده‌است. گویا با توجه به غرور، اعتماد به نفس کاذب، خود بزرگ بینی فئودالی و دست کم گرفتن رعایا از شاه چنین لقبی را دریافت کرده‌است.

قاسملو تحصیلات ابتدایی را در ارومیه، متوسطه را در تهران و در ادامه دبیرستان را در کالج آمریکایی ها در تهران به پایان رسانید. در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در سن ۱۸ سالگی برای ادامه تحصیل به پاریس رفت. سپس تحصیلات خود را در علوم سیاسی در پراگ پی میگیرد و سال ۱۳۳۱ بعد از دریافت لیسانس به ایران بازمیگردد. او دوباره بعد از ۵ سال در سال ۱۳۳۶ به پراگ برمیگردد و مشغول تحصیل می شود. ایشان در سال ۱۳۴۱ موفق به اخذ دکترا در علوم اقتصاد می شود و در همان دانشگاه در پراگ تا سال ۱۳۴۹ مشغول تدریس تئوری رشد اقتصادی میشود. در این دوران قاسملو جدا از کسب تواناییهای علمی، زبانهای مختلف همانند فرانسوی، روسی، چکی و انگلیسی را یاد می گیرد. او شناخت از اداره جوامع اروپای شرقی و اروپای غربی را کسب می کند. وی همچنین روابطی با سیاستمداران غربی و احزاب مختلف آن کشورها برقرار می نماید. سیر رشد و ارتقا قاسملو از وضعیت خانوادگی، تحصیلات در تهران، پاریس و پراگ، اندوخته‌های علمی، تجارب کاری در محیطی اکادمیک، رابطه اش با احزاب و سیاستمداران غربی، تجارب کار سیاسی با حزب توده، شناخت از سبک کار حزب دمکرات کوردستان عراق و رهبریش مصطفی بارزانی، اعتماد به نفس و توانائی منحصر به فردی به او می بخشد که در زندگی سیاسی خود از آنها بهره می جوید.

۳. شروع فعالیت سیاسی قاسملو

قاسملو در سن پانزده سالگی فعالیت خود را با تشکیل اتحادیه جوانان حزب دمکرات شروع میکند که وابسته به حزب توده بوده است. سال ۱۳۲۷ در سن ۱۸ سالگی همراه چند جوان کورد دیگر در پاریس، انجمن دانشجویان کورد را تاسیس می کنند. او در سال ۱۳۳۱ در دوران نخست وزیری مصدق از پراگ به ایران بر میگردد و شروع به فعالیت سیاسی می کند. آن دوران حزب دمکرات بخشی از حزب توده بوده است. قاسملو بعد از مدتی ماندن در تهران به مهاباد برمیگردد و مسئولیت کار حزبی را به عهده میگیرد. یعد از کودتای ۲۸ مرداد قاسملو به کار مخفی روی میآورد. او توسط ساواک دستگیر می شود و بعد از ندامت آزاد میشود.

بعد از شکست جمهوری کوردستان در سال ۱۳۲۵، سالها طول میکشد تا حزب دمکرات کوردستان ایران دوباره فعالیت سیاسی را از سر بگیرد. در کنگره دوم حزب دمکرات در سال ۱۳۴۲ به رهبری احمد توفیق قاسملو به جرم همکاری با ساواک از حزب اخراج میشود. اما مدرکی دال بر واقعی بودن این اتهام ارائه نمی شود. در این دوران حزب دمکرات کوردستان عراق به رهبری ملا مصطفی بارزانی مناطقی از کوردستان عراق را در اختیار دارد. احمد توفیق و بخشی از کادرهای حزب دمکرات کوردستان ایران مجری سیاستهای ملا مصطفی بوده اند. ملا مصطفی مخالفین خود را در درون حزب دمکرات کوردستان عراق با توطئه یا از بین میبرد و یا با ترور شخصیتی بی خاصیت میکرد. ملا مصطفی بارزانی هیچ باوری به حزب سیاسی که با انتخابات، مرکزیت و رهبریش تعیین شود و اداره حزب را به عهده داشته باشد، نداشته است. او بیشتر افکار عشیره‌ای و نیازهای عشیره‌ای را نمایندگی میکرده است تا خواست ملی و مسئله ملی مردم کوردستان. نوشیروان مصطفی در کتاب "پنجه‌کان یه‌کتری ته‌شکینن" می نویسد. "ملا مصطفی هنگامی که می خواست اساسنامه حزب را آنطور تغییر دهد که خود همه‌کاره و تنها فرمان او اجرا شود، وقتی که به بارزانی میگویند این خلاف است و نباید تو اساسنامه را اینچنین

و به باب دل خود تغییر دهید. ملا مصطفی میگوید "اساسنامه‌ای که بله‌ی
 ثحه رهش نوشته باشد چرا من نمی توانم تغییرش دهم."

در چنین فضا و شرایطی امکان این وجو داشته است که برای غلبه کردن بر
 قاسملو و بی خاصیت کردنش از چنین متدی به همان شیوه ملا مصطفی
 استفاده شده باشد، چون حدکا زیر نفوذ بارزانی بوده است. آن زمان تعداد
 زیادی از مبارزین کورد ایرانی و حدکا در کوردستان عراق مستقیم توسط
 دستگاه مخوف ساواک ترور و یا به وسیله بارزانی به دستور ساواک ترور شدند.
 اما با وجود چنین فضائی جمعی از کادرهای حزب دمکرات به مبارزه ادامه می
 دهند. تعدادی از کادرهای مهم، توانا و شناخته شده در حدکا مانند ملا
 ئاواره، اسماعیل شریفزاده و سلیمان معینی به مبارزه ادامه داده و در انتقاد از
 سیاستهای حزب دمکرات، کمیته انقلابی حزب دمکرات را تشکیل دادند و در
 سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ به ایران بازگشته و مبارزه مسلحانه را سازماندهی و
 رهبری می کنند. در این شرایط بحرانی و حساس مبارزاتی، قاسملو کوردستان
 را رها و به پراگ برمیگردد.

۴. شروع رهبری قاسملو در حدکا

با آرام تر شدن اوضاع سیاسی منطقه، قاسملو به عراق و حزب دمکرات برمی
 گردد. تصمیم به برگزاری کنگره ۳ حدکا گرفته می شود. اما حدکا از نظر
 کادرهای توانا سخت در تنگنا است. به دلایلی چون، تمام تشکیلات حدکا در
 ایران توسط ساواک از هم پاشیده و بیش از ۱۲۰ نفر از جمله تعدادی از
 رهبران زندانی شده بودند، که قاسملو خود باعث این لو رفتن ها و ضربه
 خوردن ها شده بود.

تشکیلات رهبری انقلابی حدکا که شامل رهبرانی مبارز و خوشنام مانند
 سلیمان معینی، ملا ئاواره و اسماعیل شریفزاده بود به کلی از میان برداشته
 شدند. احمد توفیق و شماری دیگر که مجریان دستورات مصطفی بارزانی

بودند در حدکا اعتبار خود را از دست داده بودند. در چنین شرایطی راه برای دبیرکل شدن قاسملو در کنگره ۳ هموار میشود.

در سال ۱۳۵۲ در کنگره ۳ حزب قاسملو به دبیرکل حزب انتخاب میشود و مخالفین پیشین او بایستی کیفر داده میشدند. قاسملو از سال ۱۳۵۲ تا ترور وی توسط تروریستهای حکومت جمهوری اسلامی ایران به مدت ۱۶ سال در این پوست ماند.

قاسملو توانست حزب دمکرات را از زیر هژمونی حزب توده ایران و ملا مصطفی بارزانی بیرون آورد و به حزب دمکرات استقلال بخشد. این استقلال لازم و نقطه عطفی است که برای ارتقا حزب مسیر را هموار میکند.

با رهبری قاسملو در حزب دمکرات رابطه حزب با دولت بعث عراق شروع میشود. قاسملو با توجه به رابطه حسنه‌ای با صدام داشته، توانسته بود این رابطه بغرنج با حکومتی دیکتاتور که کوردهای این بخش را به بی رحمانه‌ترین شکل سرکوب میکرد به شیوه‌ای مدیریت کند که این رابطه به توانمند شدن بیشتر حزب انجامیده شود و برای جنبش کوردهای عراق نیز چندان زیانی نداشته باشد. این ارتباط به قاسملو در حزب دمکرات و حتی نزد اتحادیه میهنی کوردستان عراق نیز وجه و اعتبار بیشتری داده بود. نوشیروان مصطفی در کتاب "پنجه‌کان یه‌کتری ده‌شکینن" دید مثبتی نسبت به این رابطه دارد و حتی از دو بار نشست خود و مام جلال با نمایندگان رژیم صدام حسین که توسط قاسملو امکان پذیر شده بود نام می‌برد.

سایت ویکی لیکس (سایت افشاگریها) می‌نویسد "قاسملو یگانه رهبر اپوزیسیون ایرانی بود که هر وقت میخواست میتوانست صدام حسین رئیس جمهور عراق را ببیند"

با به وجود آمدن فضای باز سیاسی و دمکراتیک ناشی از انقلاب ۱۳۵۷، حزب دمکرات به رهبری قاسملو در همان اوایل بدون تلاشی جدی و تشکیلاتی در بین مردم، وارث و صاحب ارثی شد که از جمهوری کوردستان و مبارزانی چون ملا ئاواره، اسماعیل شریفزاده و معینی‌ها به جا مانده بود. قیومیت این ارث

توده های عظیم مردمی و هزاران پیشمرگ را به خاطر مسئله ملی کورد مخصوصاً در شمال کوردستان ایران در اختیار حزب دمکرات به رهبری قاسملو گذاشت که حزب دمکرات و شخص قاسملو را به جلو صحنه راند تا حدی که قاسملو سخنگوی هیئت نمایندگی خلق کورد شود.

از آنجا که قاسملو در اروپا زندگی کرده بود و به قدرت رسانه‌های جمعی و تبلیغات باخبر بود، به طور گسترده و فعال در روزنامه و دیگر رسانه‌های جمعی شرکت می‌جست و به نمایش تبلیغاتی و مبالغه آمیز وانمود میکرد که تنها حزب فعال در عرصه سیاسی کوردستان که وزنه دارد حزب دمکرات است و این حزب اکثریت قریب به اتفاق جامعه کوردستان را با خود دارد. اما این گفته دور از حقیقت بود، چون چپ‌ها مخصوصاً کومه‌له در جنوب کوردستان ایران اکثریت مردم را با خود داشتند.

5. قاسملو و سخنگویی هیئت نمایندگی خلق کورد

قاسملو در مصاحبه با روزنامه کیهان در بخشی از سخنانش اینطور اظهار میدارد.

س: ترکیب هیات خلق کرد به چه صورت است؟

جواب قاسملو

ج: رییس هیات نمایندگی آقای شیخ‌عزالدین حسینی است، و بعد این هیات سخنگو دارد و سخنگوی هیات حزب دمکرات است و دو گروه دیگر در جلسات وقتی می‌توانند نظر بدهند که از سخنگو اجازه بگیرند، یادداشت بدهند، یا سخنگو حرف آن‌ها را بزند، یا سخنگو اگر صلاح دید اجازه دهد آن‌ها شرکت کنند، ما به این شرط حاضر شدیم در این طرح شرکت کنیم، در واقع مسائلی را قبلاً آماده می‌کنیم، بعد می‌رویم با هیات دولت می‌نشینیم و البته یک جلسه هم بیشتر نشستیم که آقای صباغیان گفت: که دولت با آن دو گروه حاضر نیست صحبت بکند. از آن موقع آقای فروهر تنفس دادند و تا حالا تنفس ادامه دارد. در حال حاضر عده زیادی از حزب ما هم اعتراض دارند که

نماینده‌گی خلق کرد به این ترتیب جوابگو یا بازتاب جامعه کرد نیست، برای این که حزب دمکرات به تنهایی هشتاد درصد مردم پشتیبان آن هستند، (کیهان ۱۳۵۹/۱/۲۸)

در هیئت نمایندگی خلق کورد تمام اعضای شرکت کننده دارای حق برابر بوده‌اند. تصویری که قاسملو از چند و چون رای اعضای هیئت نمایندگی خلق کورد میدهد که گویا نمایندگان کومه‌له و چریکهای فدائی در هیئت رای مشورتی داشته اند و حتی در رای مشورتی و برای اظهار نظر بایستی از سخنگوی هیئت که خود قاسملو بوده اجازه میگرفتند، غیرواقعی و دور از حقیقت است. ایشان در ادامه اظهار میدارند که ۸۰٪ از مردم کوردستان طرفدار حزب دمکرات هستند. در حالی که چنین انتخاباتی در کوردستان وجود نداشته است تا آماری از نفوذ احزاب مختلف به دست دهد. قاسملو تصویری نادرست از سیمای سیاسی کوردستان ارائه می دهد و حزب دمکرات را با عراق، بزرگ نشان می دهد. چنین اظهاراتی شبیه اعلام نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دیکتاتوری صدام حسین است که ۹۸٪ آراء به صدام حسین داده میشد. این اظهارات از طرف قاسملو همان موقع هم نشان می داد که ایشان کوردستان را از نظر سیاسی ملک حزب دمکرات میدانست و بدون رضایت حزب دمکرات جریانات سیاسی در کوردستان حق فعالیت نداشتند. همانطوری که دیدیم سرکوب و حمله نظامی به احزابی مانند پیکار، کومه‌له یکسانی، کومه‌له و راه‌کارگر برهمین مبنا بود.

۶. تلاش قاسملو در همسو شدن با رژیم اسلامی در سالهای اول انقلاب

نشانه‌های تنگ نظری و تمامیت خواهی از یک طرف و استفاده از متد و واژه‌های اسلامیهستهای طرفدار خمینی مانند " ضد انقلاب" از طرف دیگر در این سخنان هم دیده میشود.

عبدالرحمن قاسملو دبیر کل حزب دمکرات کردستان دیروز در مصاحبه‌ای با خبرنگار اعزامی کیهان

در پاسخ این سوال که: منظور شما از سفرهای اخیر به شهرهای کردنشین چیست؟ گفت: «ما به عنوان مسئولان حزبی وظیفه داریم جهت بررسی مشکلات مردم کرد و آگاه کردن آنها از توطئه ضد انقلاب به شهرهای کردنشین سفر کنیم. در عین حال به آنها بگوییم که بجز حزب دمکرات کردستان به گروه و دسته دیگری وابسته نشوند و فریب احزاب و گروه‌های چپ افراطی را نخورند، زیرا تنها حزب دمکرات کردستان، پیرو خط امام است و همانند امام، هدفش پشتیبان خلق زحمتکش کرد است.»
(اطلاعات ۱۳۵۸/۱۱/۱۰)

قاسملو در برخورد با دیگر احزاب و جریان‌های سیاسی در کردستان، پرمدها حق به جانب و با امر و نهی رفتار می‌کند، اما در رابطه با ارتجاع اسلامی و خمینی فروتن، خواهشگر و در احقاق حقوق ملت کورد به تمنا، استمداد و در یوزه‌گری می‌افتد. انگاری با عجز و درمانگی میشود حقوق پایمال شده ملتی را از استثمارگران و سرکوبگران گدائی کرد. قاسملو این اصل پایه‌ای و ساده را فراموش میکند، که این توازن قوا است که سرکوبگر را ناگزیر به پای میز مذاکره میکشاند، نه تمنا و گدائی. اظهار عجز پیش ظالم از نادان نیست. قاسملو در مصاحبه‌ای که با کیهان و توسط فاطمه نواب صفوی انجام میگردد در درگاه خمینی به تمنا می‌افتد.
قاسملو: کم لطفی امام برای ما خیلی بهتر از لطف بیگانگان است.
قاسملو در مورد امام گفت: من افکار امام را صادقانه می‌ستایم و فکر می‌کنم معضلات و مشکلاتی که در رابطه با مساله کردستان پیش آمد و موجب نگرانی امام شد ناشی اخبار ضد و نقیضی بود که به گوش رهبر انقلاب می‌رسید. حرکت انقلابی امام در تضعیف و نابودی امپریالیسم آمریکا مورد تایید کامل ماست و ما در تداوم این مبارزه در پشت سر امام ایستاده‌ایم و دست امپریالیسم را از این سرزمین کوتاه می‌کنیم ما تجزیه طلب نیستیم و از

بیگانگان متنفر هستیم. قاسملو گفت اگر مسایل و مشکلات کردها بر طرف شود کردها که یکی از قویترین نیروهای نظامی هستند می‌توانند در خط امام و به فرمان امام خواستار راستین انقلاب باشند. قاسملو این نکته را هم یادآور شد کم‌لطفی امام برای ما خیلی بهتر از لطف بیگانگان است.
فاطمه نواب صفوی (کیهان ۹/۶/۱۳۵۸)

در گزارش دیگری در کیهان تحت عنوان " پیام امام بهتر از مهربانی و دلسوزی دیگران است " در بخشی چنین می‌آید.
پیرانشهر - خبرنگار اعزامی کیهان ارومیه: عبدالرحمن قاسملو بعد از ظهر دیروز در مسجد جامع پیرانشهر برای اهالی این شهر سخنرانی کرد. قاسملو گفت: رهبریت قاطع امام خمینی برای خلق کرد و ملت ایران مورد تایید بوده و هست و خلق کرد همیشه و هر وقت و هر زمان از دستورات سازنده امام پیروی کرده و خواهد کرد. و در ادامه می‌افزاید، پیام امام و اجرای آن برای ما بهتر از مهربانی و دلسوزی دیگران است. قاسملو در پایان اظهار داشت: همانگونه که واقعاً امام خمینی برای مستضعفان و زحمتکشان نازل شده امید می‌رود برای حزب دمکرات هم بتواند خط مشی امام را دنبال کند و برای رفاه کارگران ستم‌دیده بکوشد.
(کیهان ۱۰/۱۵/۱۳۵۸)

بدتر از غیر واقعی بودن این ادعا که گویا حزب دمکرات هشتاد درصد مردم کردستان را پشت سر خود دارد این است که قاسملو مرزبندی مردم کردستان با ارتجاع مذهبی و خواستهای برابری طلبانه آنها را تحریف می‌کند و تصویری ارائه می‌دهد که گویا خواست مردم کردستان هم همان خواست آخوند مرتجع خمینی است و مردم کرد هم پشت سر خمینی به صف اند.
همانطوری که در بالا ملاحظه کردید قاسملو در بخشی اظهار می‌دارد " .. زیرا تنها حزب دمکرات کردستان، پیرو خط امام است و همانند امام، هدفش پشتیبانی از خلق زحمتکش کرد است"

البته حقیقتی در این گفته قاسملو موجود است و آن هم اینکه به همان اندازه که خمینی پشتیبان کارگران و زحمتکشان کوردستان بود، قاسملو و حزب دمکرات هم به همان اندازه.

حزب دمکرات در اختلافات بین کارفرمایان و کارگران، طرف کارفرمایان را می‌گرفت. میتوان کوره‌های آجرپزی بوکان را مثال آورد. در تنش بین کارفرمایان و کارگران حتی سلیمان محمدی که انسان محبوب و یاور و راهنمای کارگران در مبارزه و اعتصاباتشان بر علیه کارفرمایان بود را ترور کردند.

۷. شیدایی بی فرجام قاسملو به خمینی

دلیل دیگر شیدایی بی فرجام قاسملو نسبت به خمینی از دیدگاه ضد امپریالیستیش سرچشمه می‌گرفت. قاسملو مانند حزب توده در هنگام جنگ سرد متعلق به بلوک شرق بود. از طرف دیگر هنوز بخشی از دیدگاه و افکار سیاسییش متأثر از دستگاه فکری حزب توده بود.

حزب توده در ایران مدافع و مجری سیاستهای اتحاد جماهیر شوروی بود. از لئونید برژنف رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی در مورد انقلاب ایران در نوشته‌ای تحت نام "حزب توده ایران و جنبش ملی کرد در ایران (۱۳۶۱-۱۳۵۷) از د. کامران امین آوه". اینطور آمده است. "انقلاب ایران بقول لئونید برژنف، انقلابی بود غامض و پیچیده که از جوانب عمده آن نمای ضد امپریالیستی‌اش بود."

همین نگرش ضد امپریالیستی (امریکایی) بودن حزب توده باعث شد که حزب توده برای سرکوب نیروهای چپ و انقلابی در پشت قرون وسطائی ترین حاکمیت به رهبری خمینی به صف شود.

کیانوری دبیرکل وقت حزب توده در خاطرات کیانوری در صفحه ۴۹۴ می‌نویسد "در جلسه ۲۳ دیماه ۱۳۵۷ رهبری حزب تغییر کرد. (با انتخابات کیانوری به جای اسکندری دبیرکل میشود) در جلسه بعدی هیئت اجرئیه من گزارشی از اوضاع ایران و فعالیت های حزب در ایران ارائه دادم که مورد تایید قرار گرفت.

خط اساسی این گزارش عبارت بود از پشتیبانی همه جانبه از خط امام خمینی در جنبش."

حزب توده از همان اوایل مخالف خواسته‌های رادیکال و برابری طلبانه جنبش انقلابی کوردستان بود. بیشترین مخالفت را با نیروهای چپ کوردستان از جمله کومه‌له داشت.

حزب توده در تفرقه انداختن در هیئت نمایندگی خلق کورد و دیدارهای قاسملو و حزب دمکرات جدا از هیئت نمایندگی خلق کورد با خمینی و مقامات جمهوری اسلامی به هدف ضربه زدن به اتحاد مردم کوردستان و یک صدایی احزاب کوردستان در مقابل حاکمیت اسلامی نقشی ویرانگرانه ایفا کرد. آقای عبدالله حسن زاده از رهبران طراز اول حزب دمکرات در " کتاب نیم قرن کوشش و فعالیت، صفحه ۵۰ در تلاششان برای نزدیک شدن با خمینی می نویسد، " حزب دموکرات خیلی زود به فکر آن افتاد که راه برای نزدیک شدن با خمینی و تفهیم کردن او به خواسته های خلق کورد پیدا کند."

حسن زاده در ادامه می نویسد، " هنوز آقای خمینی در شهر نجف عراق بود که دفتر سیاسی دستهای نماینده شکل گرفته از آقای محمد امین سراجی و نویسنده این سطور (یعنی خودش، حسن زاده) به دیدار او فرستاد، نمایندگان حزب به هر زحمت که بود خود را به محل نشست خمینی رساند و با نوشتن یادداشتی درخواست ملاقات کرد. اما نامبرده آن تقاضا را قبول نکرد". حسن زاده در ادامه چنین می نویسد، " و موقعی که خمینی در "نوفل لوشاتوی" پاریس زندگی میکرد. دکتر قاسملوی شهید به دیدارش رفته بود تا با او گفتگو کند، آن بار نیز دکتر هر چند خواسته بود به "تکیه" امام برود خمینی موافقت نکرده بود او را تنها ملاقات کند."

۸. قاسملو از زبان رفقای حزبیش

برای شناختن بهتر رحمان قاسملو نگاهی به اظهارات رفقای حزبی قاسملو در مورد ایشان بیندازیم.

۹. کریم حسامی

کریم حسامی از رهبران شناخته شده حزب دمکرات در کتاب "له بیره وه بیره کانم"، بهرگی هوته‌م، ص ۱۷ و ۱۸ می نویسد. "قاسملو با نقشه‌ی غیر دمکراتیک خود برای انتخاب اعضای کمیته مرکزی درکنگره چهارم حزب در ۳۰/۱۱/۱۳۵۸ به بهانه اینکه درنگ وقت است انتخابات را به روز بعد موکول کرد. همان شب قاسملو با جمعی که نوکرمنش و فرمانبردار او بودند صحبت کرده و لیستی از افرادی که می دانست فرمانبردار او و بی ضرراند تهیه کرده و در ۳۰۰ نسخه همان شب ماشین و چاپ کرده و بین نمایندگان کنگره که ۳۱۰ نفر بودند روز بعدش پخش کردند. که با اعتراض چند نفر روبرو گردید.

قاعدتا بعد از رای گیری بایستی راییهای داده شده حساب و نتیجه‌اش اعلام میشد، اما قاسملو گفت به علت دیر بودن ساعت شب و خسته بودن برادران، شمارش آراء را فردا انجام می دهیم. ما چند نفر مخالف آن پیشنهاد قاسملو بودیم. اما پیشنهاد قاسملو قبول شد و صندوق آراء در اختیار دستهای "پاک و امین" آن افراد که قاسملو پیشنهاد کرده بود قرار گرفت.

افرادی در لیست قاسملو انتخاب شدند که حتی تا روز کنگره عضو حزب هم نبودند. برای نمونه دختری اهل گولی سندوسیان که مشاور کمیته مرکزی کرده بودند، که اصلا نمی دانست حزب و سیاست چیست و حقیقتا از زندگی خودش هم درک درستی نداشت. اما وقتی در جلسه کمیته مرکزی کریم حسامی را برای مشاور کمیته مرکزی پیشنهاد می کنند، قاسملو می گوید اگر او مشاور شود، جلسه‌های کمیته مرکزی به مشکل و جر و بحث پیش خواهد رفت. قاسملو می خواست گوسفندان خدا در کمیته مرکزی باشند تا او به میل خود آنها را برقصد. کریم حسامی در ادامه می گوید، قاسملو به خاطر ترس از دست دادن حاکمیت خود، افراد توانا و مبارز را از کمیته مرکزی دور کرده در مقابل افرادی ناتوان نوکرصفت و دورو را در لیست خود و کمیته مرکزی جا داد."

اشاره به چنین روشهای غیر دمکراتیک قاسملو در منابعی که توسط رفقای دیگر قاسملو نوشته شده است، به کرات دیده می شود که از همان آغاز

انتخاب قاسملو در کنگره ۳ حدکا به دبیر اول، ایشان به شیوه برنامه‌ریزی شده، سیستماتیک و قدم به قدم توانسته است بر حدکا سیطره پیدا کند و تصمیمات خود را هرچند در حدکا رای اکثریت را با خود نداشته است بر حزب تحمیل کند.

۱۰. منحل کردن اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا توسط قاسملو

کریم حسامی در کتاب " له بیره‌وه‌ریه‌کانم ، به‌رگی چه‌وته‌م، ص ۱۲۷ می‌نویسد " اتحادیه دانشجویان کرد که مرکزش در سوئیس بود به دستور اسکندری که دبیر اول حزب توده ایران بود توسط رحمان قاسملو و برادرش احمد قاسملو منحل شد."

ک. حسامی در همان صفحه دلیل این عملکرد رحمان قاسملو را این چنین می‌نویسد. " آن زمان بورسیه تحصیلی رحمان قاسملو از ظرف دولت ایران قطع شد، حزب توده ر. قاسملو را به پراگ آورد و از طرف دولت چکسلواکی بورسیه تحصیلی را برایش گرفت، در مقابل اعلامیه منحل کردن اتحادیه دانشجویان کورد را از او گرفت."

کریم حسامی در کتاب " له بیره‌وه‌ریه‌کانم ، به‌رگی دوم ص ۸۳ " در مورد کمک مالی قاسملو به خود، هنگامی که مشغول فعالیت حزبی در بغداد بوده‌اند اینطور می‌نویسد " روزی به خانه قاسملو رفتم و وضعیت بحرانی مالی خود و خانواده‌ام را توضیح داده و گفتم باید برای گذران زندگیمان کاری پیدا کنم. قاسملو گفت، کار را نمی‌توانید پیدا کنید، ببینیم خرج ماهانه تان چند است تا ما به شما بدهیم. خواهر نسرین که زن قاسملو بود با برداشتن قلمی "سخت‌مندان" شروع به حساب کردن کرد. و در پایان ماهی ۱۲ دینار به ما دادند، در واقع من، همسر و یک بچه بایستی روزی با ۴۰۰ فلس زندگی می‌کردیم. من آن موقع آن عملکرد قاسملو را اقدامی بزرگ و از خودگذشتگی بزرگ می‌دانستم. اما نمی‌دانستم که قاسملو به خاطر کار حزبی

و به اسم ما پول را از دکتر رادمنش دبیر کل حزب توده می گرفت. فکر می کردم از جیب خودش به ما کمک می کرد و خیلی ازش ممنون بودم"

۱۱. نظر قاسملو در مورد شکست کوردها در سال ۱۹۷۵

نظر قاسملو در مورد شکست کوردها در سال ۱۹۷۵ به رهبری مصطفی بارزانی کریم حسامی در کتاب " له بیره‌وره‌ریه‌کانم، به‌رگی پی‌نجه‌م در ص ۲۹" می نویسد " در حالی که ما همگی اعضای کمیته مرکزی در بغداد جمع شده و شب و روز با بحث، در پی یافتن تحلیلی منطقی در مورد انقلاب و چگونگی دوباره جنگ را بیابیم و از آن درس بگیریم. قاسملو در نامه ۲۵/۴/۱۹۷۵ نوشته بود، " حالا وضعیتی کاملا جدید پیش آمده است. من نظرم این است که مانعی بزرگ از سر راه ما برداشته شده است" اینک آن انقلابی که شب و روز برایش تبلیغ می کرد و " اصیل می دانست" مانع سر راه مبارزاتی ما می دانست و اینک این مانع نمانده بود."

۱۲. روش قاسملو برای تغییر رای اعضای کمیته مرکزی

خیلی از رهبران حزب دمکرات و رفقای قاسملو در مرکزیت حزب دمکرات اظهار می دارند که قاسملو برای تغییر رای افراد رهبری به نفع خود از شیوه‌های غیر دمکراتیک و محفلیسم استفاده می کرد. آنها اضافه می کنند که قاسملو در این روشها بسیار توانا، ماهر و برای خاتمه دادن اختلافات سیاسی به نفع خود به هر وسیله‌ای حتا غیر اصولی و غیر اخلاقی متوسل می شده است. کریم حسامی " له بیره‌وره‌ریه‌کانم ، به‌رگی هه‌وته‌م، ص ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶" می نویسد.

" در جلسه کمیته مرکزی اختلافاتی بر سر مسائلی بین من و ملا رسول از یک طرف و قاسملو از طرف دیگر پیش آمد، که به دو پیشنهاد یکی از طرف من و دیگری از طرف قاسملو انجامید. پیشنهاد قاسملو از طرف ۱-امیر قاضی ۲- حسن شتوی ۳- کریم حداد مورد پشتیبانی قرار گرفت. پیشنهاد من از طرف ۱-

ماموستا هیمن ۲- محمد امین سراجی ۳- هاشم کریمی ۴- اسماعیل حاجی ۵- ملا رسول پشتیبانی شد. بعد از بحث های زیاد محمد امین سراجی پیشنهاد کرد رای گیری کنیم. نتیجه رای گیری مشخص بود. پیشنهاد قاسملو ۴ رای و پیشنهاد من ۶ رای داشت. قاسملو گفت کافه ای بنوشیم و استراحتی کنیم و جلسه را ادامه می دهیم. قاسملو بلند شد و جلسه متوقف شد. با کافه نوشیدن و پیچ کردنهایی وقتی که به جلسه برگشتیم هاشم کریمی و اسماعیل حاجی نظرشان به نفع قاسملو تغییر پیدا کرده بود، که ماموستا هیمن عصبانی و خیلی تند اعتراض کرد و به قاسملو گفت "این چشم بندی است، این حقه بازی است، این سیاسی نیست." نهایتا نتیجه این جلسه به تعلیق شدن عضویت من و ملا رسول به مدت یک سال از کمیته مرکزی حزب انجامید.

۱۳. جلیل گادانی

جلیل گادانی در کتاب "په نجا سال خه بات، به رگی به که م" در ص ۱۲۱ و ۱۲۲ می نویسد.

"کاک رحمان قاسملو برای ماموریتی تشکیلاتی می بایستی مخفیانه از طریق کردستان عراق به اروپای شرقی می رفت. بر خلاف قرار حزب، به تهران و پیش مسئولینی از حزب توده برای بعضی رایزنیها میروود و اسماعیل قاسملو هموزاده اش را نیز با خود میبرد. به علت رخنه کردن ساواک در حزب توده با خارج شدنشان پیش توده ایها بلادرنگ کاک رحمان و اسماعیل دستگیر شده و مستقیما به فرماندهی نظامی برده می شوند، اما تعجب اینجا بود با آن همه فریب بازیهای تیمور بختیار که آن زمان مسئول آن ارگان بود، بعد از ۴۸ ساعت آزاد میشوند. این مسئله تردیدهای زیادی نسبت به رحمان قاسملو به وجود آورد، از طرفی، او قرار حزب را شکسته بود و از سوی دیگر آزاد شدنش در حالی که دستگیر کردنش با اطلاعات قبلی بوده و همانند کسی نا آشنا دستگیر نشده بود."

۱۴. امور مالی حدکا و قاسملو

از تمام شواهد آشکار، سرمایه مالی حزب دمکرات فقط در دست قاسملو و تنها خود او از آن خبر داشته است. این هم یکی از دلایلی بوده است که قاسملو توانسته است کنترل حدکا را آنطوریکه خود خواسته در دست داشته باشد و تصمیمات حیاتی و سرنوشت ساز در حدکا را در انحصار اختیارات شخصی خود نگه دارد.

جلیل گادانی در کتاب "پهنجا سال خهبات، بهرگی به کم" در ص. ۳۶۳ می نویسد. "در کنگره حزب وقتی که سلام عزیزی یکی از اعضای کمیته مرکزی در مورد کمکهای مالی که به حزب میشد پرسش کرد، با عصبانیت قاسملو روبرو شد و حقایقی که خیلی افراد هم می دانستند و با وجود اسناد زنده در آن مورد، از جواب سر باز زد. احمد نستانی یکی از فرماندهان شناخته شده حزب از قاسملو پرسید، کاک دکترا آیا وقت آن نرسیده حداقل این کنگره بداند وضعیت مالی مان چطور است؟ چطور زندگی می کنیم؟ و چی داریم؟ دکترا بی تردید جوابش داد "تا زمانی که من دبیر اول حزب باشم، به جزء خودم، هیچ کسی نمیتواند بداند چی داریم و یا چی نداریم!"

۱۵. قاسملو و لیست فیکس در کنگره ۸

جلیل گادانی در کتاب "پهنجا سال خهبات، بهرگی دووهم، ص ۸-۱۰ می نویسد "در کنگره ۸ قاسملو طرح لیست فیکس را مطرح کرد. معلوم بود که دکترا پیشتر این طرح را با تعدادی در میان گذاشته بود و آنها موافقت کرده بودند، اما با مخالفت تند تعداد دیگر روبرو شد. لیست فیکس قاسملو شامل ۲۵ نفره برای کمیته مرکزی و چند نفر مشاور می شد، که نه میتوانستی کسی به لیست اضافه و یا کم کنید. در عین حال کسی نمی توانست خود را کاندید کند، یعنی هیچ کس نمی توانست از حق طبیعی کاندید کردن خود که جزء برنامه حزب بود استفاده کند.

در کنگره تلاش زیادی شد که لیست فیکس کنار گذاشته شود اما سرانجامی نداشت.

این موضوع برای کسانی که فکر می‌کردن دکتر قاسملو خرده حساب هایی با آنها دارد نگرانی های زیادی بوجود آورده بود.

دکتر قاسملو حتا با اضافه کردن یک نفر به لیست و یا انتخاب یک نفر به رای مخفی توسط شرکت کنندگان در کنگره موافقت نکرد.

با دست بلند کردن و رای علنی ، تهدید، وعد و وعید و تطمیع این طرح بر کنگره تحمیل شد."

۱۶. حسن رستگار

حسن رستگار در کتاب " برگه‌بیک له ژیان و خه‌باتم، به‌رگی ۲، چاپی ۲، ص ۲۱۶ و ۲۱۷" می‌نویسد. (این رخداد در سال ۱۳۵۸ بوده است.)

" کومه‌له در ناحیه پیرانشهر تعدادی را به عنوان فئودال گرفته بود. مردم و خانواده‌های آن افراد از دفتر سیاسی تقاضا کرده بودند که حزب دمکرات آن افراد را آزاد کند. با کومه‌له در آن منطقه یک یا دو بار تماس گرفتم و خواهان آزادیشان شدم. اما آزادشان نکردند. با مهر دفتر سیاسی و امضای دکتر قاسملو نامه‌ای دریافت کردم که نوشته بود. " به هر شکلی باید آنها را پس بگیرد حتی با زور هم که شده."

در حالی که در آن زمان قاسملو در جایگاه رهبر حدکا خواهان "زور" یعنی استفاده از زور اسلحه و درگیری نظامی بی هیچ ملاحظه و ترسی متوسل میشود. در مقابل حدکا آن دوران بیشترین انعطاف در مقابل نیروهای رژیم اسلامی را داشته است. حدکا حتی نیروهای رژیم که در حال آماده‌سازی خود برای حمله به کوردستان بودند را اسکورت میکرد و مانع میشد که مردم از تردد نیروهای سرکوبگر رژیم در کوردستان جلوگیری کنند.

۱۷. رفتار قاسملو با رهبران دیگر کورد

حسن رستگار در همین کتاب در ص، ۲۴۴ و ۲۴۵ در مورد دیدار قاسملو و مسعود بارزانی می نویسد " با گفتگو و آمد و رفت زیادی به کاک حسو میرخان اتفاق نظر کردیم که آنها از ما دیداری کنند. توافق کردیم این دیدار در دفتر سیاسی نباشد. دیدار در دره خدراوی که یک خانه آنجا بود صورت گیرد. خودم هم مسئول سازماندهی مهمانی شدم. طبق قرار قبلی عصری دیر، کاک دکتر قاسملو، کاک دکتر سعید و کاک فتاح کاویان آمدند. هوا کاملا تاریک شد و شب شده بود که گفتند آمدند. به داخل خانه رفتم و گفتم کاک دکتر آمدند بفرمائید، گفت خودت برو، خیلی تعجب کردم، رسم کردها در مورد پذیرایی از مهمان چنین نیست. نگاهی به دکتر سعید و کاک فتاح انداختم که آنها به او بگویند، اما چیزی نگفتند. دوباره با عجله گفتم کاک دکتر بلند شو، رسیدند. گفت خودت برو لازم نیست. با عجله بیرون رفتم اما کاک مسعود، کاک علی عبدالله و دکتر محمد جمعه خیلی نزدیک شده بودند. با سلام و احوال پرسى کاک مسعود پرسید، دکتر کجاست؟ گفتم الان میاد بفرمائید. به جلو در رسیدم اما هیچ خبری نبود. به ناچار در را باز کردم و گفتم بفرمائید کاک مسعود. کاک دکتر و رفقا بلند شدند و آنها را خوش آمد گفتند. اما آشکار معلوم بود مخصوصا کاک مسعود خیلی ناراحت شد و اخمش تو هم رفته بود."

حسن رستگار در همین کتاب در ص ۴۱۰ می نویسد " پیش از اینکه مشکل ما و کومهله به خشونت بگراید، ماموستا شیخ عزالدین تقاضا کرده بود از دفتر سیاسی دیدار کند. روز تعیین شده قاسملو، عبدالله حسن زاده، و خودم در دبیرخانه نشسته بودیم که خبر دادند که ماموستا آمد. با عبدالله حسن زاده از قاسملو خواستیم که با هم به پیشوازی ماموستا برویم. قاسملو گفت لازم نیست من بیایم، خودتان کافی است. با عبدالله حسن زاده با عجله خیلی تلاش کردیم که قاسملو همراه شود، اما نیامد. خودم، حسن شرفی و عبدالله حسن زاده به استقبال ماموستا شیخ عزالدین رفتیم و به درون خانه برگشتیم.

قاسملو بلند شد و خوش آمد گفت. عبدالله حسن زاده و من از آن رفتار قاسملو ناراحت شدیم. معلوم بود ماموستا شیخ عزالدین وقتی فهمید که قاسملو آنجا بوده است اما به استقبالش نیامده است ناراحت شد اما به روی خود نیاورد.

در آن شرایط حساس رابطه بین احزاب کوردستان ایران با نیروهای قیاده موقت به رهبری مسعود بارزانی در تنش بود. اتحادیه میهنی کوردستان عراق با نیروهای تحت رهبری مسعود بارزانی در جنگ خونین با هم بودند. حدکا و کومه‌له رابطه بسیار حسنه با اتحادیه میهنی داشتند. مسعود بارزانی و نیروهایش در رابطه بسیار حسنه با رژیم اسلامی ایران بودند. رژیم اسلامی در حال جنگ و توطئه علیه مردم کوردستان و احزاب سیاسی کوردستان بود. احتمال اینکه رژیم از نیروهای قیاده موقت سوءاستفاده کرده و آنها را وارد جنگ علیه نیروهای سیاسی کوردستان ایران کند بسیار زیاد بود. که متأسفانه چنین هم شد. در چنین شرایطی رفتار قاسملو با مسعود بارزانی بسیار نامسئولانه بوده است. هر رهبر دیگری به جای قاسملو می بود تمام تلاشش را میکرد تا نظر مسعود بارزانی را به سوی خود جلب کند و تلاش میکرد بارزانی وارد همکاری با رژیم نشود. همزمان که در رفتار قاسملو با مسعود بارزانی و شیخ عزالدین حسینی دیده می شود، قاسملو رفتارش با رهبران کورد از بالا و دور از حرمت انسانی و دیپلماتیک با آنها بوده است. اما در مقابل در چنین مواردی رفتارش با رهبران و نماینده‌گان غیر کورد متواضعانه و کرنشگرانه بوده است.

۱۸. قاسملو و لیست فیکس در کنگره ۵

حسن رستگار در همین کتاب در ص، ۳۰۲-۳۰۵ در مورد کنگره پنج حدکا که در سال ۱۳۶۰ برگزار شده است، چنین می نویسد. "بعد از گزارش کمیته مرکزی از طرف قاسملو و پایان کار کمیته مرکزی، قاسملو لیستی از جیبش بیرون آورد و خواند و گفت ما از طرف کمیته مرکزی

این لیست را برای کمیته مرکزی پیشنهاد می کنیم . اسم من در لیست نبود. گفتم من خودم را کاندید می کنم. قاسملو گفت نمی شود. گفتم یعنی چه نمی شود؟ این حق طبیعی من و مطابق با قرار و موازین اساسنامه حزب است. من خارج از لیست شما خودم را کاندید میکنم. مشکل پیچیده شد. قاسملو پیشنهاد داد ، به رای گیری در کمیته مرکزی گذاشته شود. هر چند من باور به چنین رای گیری نداشتم. چون آن لیست در همان کمیته مرکزی و توسط همان افراد تعیین شده بود. اما پیشنهاد قاسملو پذیرفته شد که آیا من می توانم در لیست پیشنهادی کاندیداهای کمیته مرکزی باشم یا نه؟ رای گیری انجام شد، برخلاف انتظار قاسملو با کاندیداتوری من موافقت شد. تنها خود قاسملو و ۲ نفر دیگر دکتر سعید و کاک جلیل رائی مخالف داده بودند. ناگهان قاسملو خیلی عصبانی شد، و با امیر قاضی و ملا عبدالله حسن زاده دعوا کرد، آنها به آرامی جوابش را دادند و مسئله خاتمه یافت و اسم من هم به لیست اضافه شد. آن چیزی که در کنگره پنج جلب توجه کرد این بود که عزیز ماملی بیشترین رای را به خود اختصاص داد و از همه بیشتر رائی آورده بود. عزیز پسری جوان و درس خوانده بود و زبان فرانسوی هم بلد بود. قاسملو سخنان کاک عزیز در کنگره را نپسندید و همچنین از اینکه کاک عزیز در کنگره بیشترین رای را آورده بود راضی نبود. همین باعث شد که بعد از کنگره من و کاک عزیز مسئولیت هایمان پس گرفته شد و افرادی دیگر جایگزین ما گردیدند."

با مطالعه و کنکاش در اسناد و کتابهای رهبران حدکا قاسملو با تسلط کامل بر حدکا اداره حدکا را همچون اداره خانواده سنتی که پدر تمام اختیارات و تصمیمات خانواده را در دست دارد عمل کرده است. حرف شنوی از خود را پاداش و مخالفت با خود را جزا داده است.

حسن رستگار در همین کتاب در ص ۳۸۸ در مورد " کورته باس له سهر سوسیالیزم" بحثی از قاسملو در حدکا که با مخالفت های زیادی از طرف اکثریت اعضای حزب روبرو میشود و طبق نظر تعدادی از رهبران حدکا قاسملو نهایتا با شگردهای ناسالم، با قول و قرارها، تطمیع ها ، فشارهای آشکار بر کنگره و

گفتگوهای شخصی با افراد کمیته مرکزی با رای گیری دوبار درکنگره با رای ۷۵ بر ۷۴ تایید بحث کورته باس بر کنگره تحمیل می کند. اینطور می نویسد " طولی نکشید که بحث اخراج افرادی از حزب مطرح شد و همچنین قراری صادر شد که اعضای مخالف " کورته باس" که به تأیید کنگره رسیده است در صفوف حزب حق ندارند مخالف کورته باس تبلیغات کنند، حتی این هم مطرح شد آنهایی که در این مورد به آنها شک میشود بایستی به صورت کتبی می نوشتند که مخالف کورته باس تبلیغات نخواهند کرد."

زمانیکه نقد سیاسی سیاستهای حزب دمکرات از طرف کومهله با حمله نظامی از طرف حزب دمکرات به کومهله جواب داده میشود و صدها انسان مبارز را در کام مرگ می کشد، طبیعی است این عملکردهای ضد دمکراتیک چنین بازتابی هم در درون خود حدکا داشته باشد.

حسن رستگار در همین کتاب در ص ۰۳ و ۰۴ در مورد جنگ حزب دمکرات و کومهله می نویسد. " ابراهیم مینه شهم (عضو کمیته مرکزی کومهله) پیام داده بود که می خواهد من را ببیند. من با پدر ایشان همسنگر و خیلی دوست بودم. نمی دانستم در مورد چه می خواهد صحبت کند. قراری گذاشتیم و همدیگر را دیدیم. کاک ابراهیم بی تعارف و آشکارا گفت که من از طرف کومهله فرستاده شده‌ام تا به شما پیامی برسانم. گفتم بفرمائید. گفت رهبری کومهله در مورد شما نظر خیلی خوبی دارند. نظرشان اینست که صحبت‌های شما در کنگره در مورد جنگ حزب دمکرات و کومهله تاثیر گذار است. امیدوارم کاری بکنید که این جنگ بینمان پایان یابد."

این سخنان حسن رستگار نشان از آن دارد که کمیته مرکزی کومهله خواهان جنگ با حزب دمکرات نبوده است.

۱۹. هاشم کریمی

هاشم کریمی عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات و یکی از افراد هیئت نمایندگی

حدکا در رابطه با هیئت صلح بین کومهله و حدکا مشهور به ۶ جریان سیاسی بوده است.

در کتاب بیره‌وه‌ریه‌کانم ص ۴۴۹ می نویسد " به نظر من اعلام جنگ سراسری بر علیه کومهله اشتباهی بود که نمی بایست رخ می داد، چون راه برگشتن به صلح را بست"

و در ص ۴۵۰ می نویسد " آن موقع قاسملو از اروپا برگشته بود و گفت مام جلال از من خواسته است که این جنگ را تمام کنیم. من هم به او قول داده‌ام هر موقع کومهله شروط ما را پذیرفت ما به میانجیگری اتحاد میهنی کوردستان آن جنگ را خاتمه خواهیم داد."

در ص ۴۵۲ می نویسد " و آن شرط صلح که کومهله می بایست حدکا را یک حزب انقلابی بداند همین امروز هم آن شرط را خیلی بد میدانم و برای حدکا خیلی عیب بود."

در ص ۴۶۶ و ۴۶۷ می نویسد " رژیم به شدت اردوگاه‌های حزب را در دولی روزانه بمباران میکرد و حتی از بمباران شیمیایی استفاده میکرد. بمبارانها خیلی شدید و دولی را شخم میزد، حتی تا ساعت چهار شب ادامه می یافت و یک لحظه نبود اردوگاه از دود و روشنائی بمباران در امان باشد. اگر کانالهای کنده شده نبود خود را در آنها آمان دهیم نه تنها تلفات زیادی می دادیم بلکه بچه‌ها از ترس زهره ترک می شدند. زن و بچه‌ها به سلیمانیه فرستاده شدند تا در امان باشند. در جلسه دفتر سیاسی در مورد بازگشت زن و بچه‌ها به اردوگاه، دکتر قاسملو و دکتر سعید چون بچه‌های خودشان آنجا نبودند نظرشان این بود که کودکان و زنان باید به اردوگاه برگردند. آنها می گفتند زنان و کودکان هیچ فرقی با کادر و پیشمرگه‌ها ندارند و باید توان تحمل آن بمبارانها را داشته باشند. من در مخالفت با نظر آنها صحبت کردم. این مخالفت باعث شد تا قاسملو نظرش در مورد من تغییر کند و همین یکی از دلایلی شد که دکتر قاسملو و هم فکراش سر آن مشکل، حکم بازنشستگی من را در کنگره ۸ صادر کنند."

آیا دبیر اول حزبی که امنیت و اسایش زنان و کودکان بی دفاع حزبش را تا این حد نادیده بگیرد، شایسته لقب کبوتر آشتی می باشد؟

۲۰. غنی بلوریان

غنی بلوریان در کتاب ناله کؤک در ص ۱۵۵-۱۵۶ مینویسد. " در جلسه‌ای در بهار سال ۱۳۳۴ از قاسملو خواستیم اگر خواهان همکاری با حزب دمکرات است، به خاطر حفظ امنیت حزب دمکرات و لو نرفتیمان از طرف ساواک باید ارتباط خود را با حزب توده قطع کند. رحمان قاسملو قول داد که با حزب توده ارتباطش را قطع می کند و عضو حزب دمکرات می شود. در همان جا و در همان جلسه در مورد فاجعه کودتای ۲۸ مرداد به این نتیجه رسیدیم که نبود جرئت انقلابی در بین رهبران حزب توده ایران، شاه و زاهدی توانستند کودتاه کنند. تصمیم گرفتیم نامه‌ای از طرف حزب دمکرات کوردستان به رهبری حزب توده در خارج از ایران بنویسیم و از ضعف رهبری حزب توده در این مورد انتقاد بگیریم. قرار شد که قاسملو آن نامه را به اروپا ببرد و آن را به دست رهبران اتحاد جماهیر شوروی برساند و یک کپی از آن را به رهبری حزب توده در خارج بدهد و راهی برای ارتباط مستقیم حزب دمکرات با شوروی پیدا کند. بعد از چند روز معلوم شد که قاسملو موضوع جلسه را به اطلاع کیانوری رسانده است. من تعجب کردم و همگی ما به تندی از قاسملو انتقاد کردیم چون قاسملو اهمیتی برای امنیت ما اعضای حزب دمکرات قائل نیست. قاسملو در حضور همه از خود انتقاد کرد و گفت دیگر با حزب توده ارتباط نخواهد گرفت و نامه انتقادی ما از حزب توده را به حزب کمونیست شوروی می رساند. نهایتاً قاسملو قولهای خود را عملی نکرده بود. نه تنها نامه ما را به مسئولین حزب کمونیست اتحاد شوروی نداده بود، بلکه هر دو نامه‌ها را در عراق به "رادمنش" که آن زمان رهبر حزب توده بود داده بود.

۲۱. قاسملو و قول همکاری با ساواک

غنی بلوریان در کتاب ناله کوک در ص ۱۹۱-۱۹۳ می نویسد. " قاسملو در سال ۱۳۳۶ زمانی که من " غنی بلوریان" در زندان بودم از اروپا به ایران برگشته بود و عزیز یوسفی که آن زمان آزاد بود را دیده و گفته بود نامه‌هایی که برای حزب کمونیست شوروی و رهبران حزب توده در خارج نوشته شده بود رسانده است. او ۱۵۰۰ تومان را به عزیز داده و گفته بود این برادران شوروی فرستاده اند. بعدها برایمان روشن شد که قاسملو مسئولین شوروی را ندیده بود، هر دو نامه‌ها را به رادمنش داده بود. پولها را هم رادمنش فرستاده بود نه حزب کمونیست شوروی.

هر چند قاسملو به ما، رهبران حزب دمکرات قول داده بود که برای حفاظت از جان اعضای حزب دمکرات و لو نرفتن تشکیلاتهای حزب دمکرات، با حزب توده همکاری نکند و ارتباط خود را با آن حزب قطع کند، اما او زیر قولش زد و حتی از طرف رهبران حزب توده ماموریت گرفته بود که از قطع شدن رابطه حزب دمکرات با حزب توده جلوگیری کند. همچنین حزب توده به قاسملو ماموریت داده بود تا قاسملو به تهران برود و " ارسلان پوریا، که آنزمان عضو کمیته ایالتی حزب توده بود" را ببیند و بدنه حزب دمکرات در تهران را با ارسلان پیوند دهد. که همین شروع لو رفتن تشکیلاتهای حزب دمکرات و دستگیر شدن بیش از ۱۲۰ نفر از اعضای مخفی حزب دمکرات شد.

ارسلان پوریا مسئول ارتباطات بین تشکیلاتهای حزب توده در ایران و رهبری حزب توده در خارج از ایران بود. در حالی که رهبری حزب توده از تسلیم شدن و خود فروشی ارسلان پوریا به ساواک بی خبر بودند.

وقتی که قاسملو با ارسلان پوریا تماس می‌گیرد، ارسلان به قاسملو می‌گوید در جلسه حزب توده شرکت کند. قرار بر این میشود که قاسملو عزیز یوسفی را با خود به آن جلسه ببرد. عزیز یوسفی در مهاباد بوده و نمی تواند به تهران برود. قاسملو برای اینکه قولش دروغ از آب درنیاید مجبور می شود یکی از بستگان خود به اسم اسماعیل قاسملو که در تهران بوده با خود به آن جلسه برده و اسماعیل را به جای عزیز یوسفی جا میزند.

آن جلسه با افراد ساواک و تله ساواک بوده است. بعد از گفتگو و با تمام شدن جلسه رحمان و اسماعیل قاسملو بلافاصله دستگیر می شوند. ساواک با داشتن اطلاعات کافی در مورد رحمان قاسملو به او می گویند اگر با ما همکاری نکنید ده سال زندانی خواهید شد. رحمان قاسملو برای اینکه آزاد شود برای ساواک مینویسد که آماده است با ساواک همکاری کند. به این شیوه بعد از چند روز زندانی آزاد می شود. رحمان قاسملو در نامه چند صفحه‌ای اتفاقات زندانی شدنش و چگونگی آزاد شدنش را برای رهبری حزب توده نوشته بود، که من بعد از انقلاب سال ۱۹۷۹ آن نامه قاسملو را به دست آوردم."

قاسملو تمایلات و نیازهای فردی خود را بر همه چیز ترجیح داده است. آرزوهای بلند پروازانه و هدفهای تعیین شده‌ای داشته است. برای رسیدن به آنها در کار حزبی و در پیوندهای انسانی به اصول و قراردادهای حزبی و معیارهای رایج انسانی پایبند نبوده است.

غنی بلوریان در کتاب "ثاله کوک در ص ۲۸۱-۲۸۲" می نویسد. "با انقلاب ۱۳۵۷ قاسملو و رفقاییش که او رهبری آنها را به عهده داشت، از عراق به مهاباد برگشتند. رفقای قاسملو انتقادات شدیدی از قاسملو داشتند. آنها می گفتند قاسملو انسانی خودسر و قرارهای کمیته مرکزی و دفتر سیاسی را رعایت نمی کند و آنچه خود درست بداند بدون اطلاع کمیته مرکزی و دفتر سیاسی انجام می دهد. آنها همچنین در مورد مسئله مالی از قاسملو انتقاد داشتند و می گفتند چند نوار و مدارک تحقیقاتی پیش خود داریم و کلاً گناهکارش می کردند و می گفتند "آن پولی که به عنوان کمک مالی از رژیم عراق میگیرد بدون اطلاع ما و به میل خود در عراق و اروپا صرف می کند و کسی نمی داند آن پولها چه می شوند.""

۲۲. چگونگی رهبری خودمحور

قاسملو به دلایلی از جمله سروسامان دادن، متحد کردن و مستقل کردن حزب، توان سخنوری و سواد سیاسی او نسبت به دیگر کادرهای کمیته مرکزی حزب دمکرات، در درون حزب جایگاه خاصی به او بخشیده بود که راه را برای رهبری کاریزماتیک و بدون رقیب، خود محور و قدرت طلب در حزب دمکرات برایش هموار می کند. قاسملو این یکه تازی و خودمحوری در بیرون از حزب را هم برعلیه نیروهای سیاسی در کوردستان را گسترش داد و به کار گرفت.

قاسملو دانش و تواناییهای خود را نه برای جا انداختن سنتهای دمکراتیک و انسانی در درون حزب دمکرات و در جامعه کوردستان استفاده میکرد بلکه از آن برای محکم کردن جایگاه فردی خود و از میان برداشتن رقبای خود درون حزب دمکرات و در جامعه کوردستان برای از میان برداشتن رقبای سیاسی حزب دمکرات از روشهای غیر دمکراتیک و خشونت بار استفاده میکرد.

این سنت تک حزبی، استبداد فردی، شیخ و درویش منشی، فرهنگ اسلامی و شرقی جاافتاده در خاورمیانه است. در این موارد میتوان به نمونه‌های بسیاری اشاره کرد. همانند حزب رستاخیز در زمان محمدرضا شاه، شعار " حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله" در جمهوری اسلامی، حزب بعث عراق و شکل حزبی و رهبری توسط ملا مصطفی بارزانی. البته این شیوه غیر دمکراتیک و تسلط فردی بر احزاب در خاورمیانه آنچنان بنیادین و نهادینه شده است که حتی احزابی که در تقابل با چنین سنتی تشکیل شده بودند هم از آفت چنین خصیصه‌ای در امان نمی مانند.

چنین رهبرانی هنگامیکه هنوز در اریکه قدرت نیستند و یا حزبشان در اپوزیسیون است پیمودن راه را برای سیطره بر حزب و تثبیت موقعیت بلامنازع خود را با توان اقناع و چیره دستی انجام می دهند، هر چه دیپلمات تر، سخنورتر و عبارت پردازتر، باتجربه‌تر در کار سیاسی، خلاق و نو آورتر باشند

روند تثبیت خود را بر حزب آرامتر و غیر محسوس تر انجام میدهند. اما اگر رهبر توانایی های شمرده شده بالا را کمتر داشته باشد، قوه تثبیت خود را با زور، قلع و قمع و آشکارتر انجام می دهد. ملا مصطفی بارزانی بیشتر از این دسته از رهبران بوده است.

پروسه و شکل تسلط رهبری قاسملو ترکیبی از دو روش بالا بوده است. قاسملو فردی توانا، تحصیل کرده در اروپا، سخنور، دیپلمات، باتجربه در سیاست و نوآور در حزب دمکرات بوده است. او برای تسلط و قدرت بلامنازع خود در حزب دمکرات تا توانسته، از قوه اقناع و غیر محسوس استفاده کرده اما اگر این روش در جای کار آمد نبوده، از حذف و بی اعتبار کردن منتقدین سود جسته است.

۲۳. قاسملو و رفتار او با اشخاص معتبر در حدکا

حسن رستگار از رهبران برجسته و عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات که جایگاه و اعتبار خاصی برای قاسملو قائل است، در برنامه پهنجه مؤر تلویزیون روداو می گوید "در انتخابات کنگره ۶ بالاترین رای، از قاسملو هم بیشتر کسب کردم، پیش قاسملو رفتم و گفتم نه در نظر دارم دبیرکل حزب شوم و نه میخواهم از حزب کناره گیری بکنم". مدیر برنامه کاوه امین با تعجب میپرسد چرا کناره گیری از حزب؟ تو که بیشترین رای را کسب کرده بودی؟ رستگار در جواب میگوید "آخر هرکسی از قاسملو بیشتر رای آورده بود از حزب بیرون انداخته شده بود، مام غنی بلوریان در کنگره چهار بیشترین رای آورده بود، عزیز ماملی در کنگره ۵ بیشترین رای آورده بود. هر دو از حزب بیرون انداخته شده بودند و در کنگره ۶ من بیشترین رای را آورده بودم، و اینک نوبت من رسیده بود، به همین دلیل به قاسملو گفتم نظر بیرون رفتن از حزب را ندارم." سر آخر حسن رستگار به گفته خود او هم در کنگره ۸ حزب دمکرات مجبور به ترک حزب و تشکیل حزب دمکرات رهبری انقلابی می شود.

اخراج کریم حسامی توسط قاسملو چرا که کریم حسامی مدعی دبیرکلی حزب بود. تحت فشار گذاشتن و زندانی کردن ماموستا هیمن در سنین پیری به خاطر نظرات سوسیالیستی و انتقاد از شخص قاسملو و سیاستهای حزب دمکرات تا حدی که مجبورش کردند خود را به حکومت ایران تحویل دهد. دادن لیست فیکس از طرف قاسملو به کنگره حزب تا کسی غیر از محبین، یاران و رهروان خود او کس دیگری نتواند وارد کمیته مرکزی شود. تلاش جدی در کنگره ۳ تا کنگره ۳ را به اسم کنگره ۲ نامگذاری کنند و کنگره ۲ که او را اخراج کرده بود از تاریخ حزب پاک کند. در صورتی که کنگره ۲ حزب از همه نظر اصولی و قانونی برگزار شده بود، جدا از جمع وسیعی که در آن شرکت کرده بودند، تعدادی در آن شرایط خفقان و ترور پهلوی به کوردستان عراق رفته و در آن شرکت کرده بودند.

حزب دمکرات کوردستان ایران به رهبری قاسملو هیچ جریان و تشکیلات سیاسی نمانده بود که از حمله و سرکوب نظامی آنها در امان بماند. استفاده از تعرض و یورش نظامی توسط حزب دمکرات برای خاموش کردن صدای مخالفین سیاسی خود به جایی رسیده بود که بعدها هنگام جدائی گروهی از حزب دمکرات در سال ۱۳۶۸ که به اسم حزب دمکرات رهبری انقلابی فعالیت میکردند مورد یورش نظامی قرار دادند. در چند مورد که پیشمرگان رهبری انقلابی را اسیر می کردند آنها را همانجا اعدام می کردند. این قساوت و نفرت از کجا سرچشمه گرفته بود که رفقای همسنگر خود را که تا چند ماه پیش برای نجات همدیگر از جان خود می گذشتند، اینچنین بی رحمانه اعدام کنند؟ از این اعدامهای غیر قابل توضیح می توان از جمله به اعدام، حسن اسلامی، کامران زمیانی و قادر قباکندی اشاره کرد. جالب اینجاست که بعدها دو شاخه منشعب حدکا دوباره ادغام شدند ولی در هیچ جای سایتهای حزب دمکرات، نام و نشانی از این پیشمرگان به قتل رسیده پیدا نمیشود!

سوال اصلی اینجاست آیا رهبر چنین حزبی که با خودی اینچنین کند اگر توان داشته باشد با مخالفین خود چکار خواهد کرد؟

۲۴. اعدام اسیران و تجاوز جنسی به جنازه پیشمرگهای زن

اسماعیل عجم در کتاب "خاطرات یک سوسیالیست آذربایجانی" در مورد کشتار پیشمرگان کومهله توسط حزب دمکرات در مهرگه‌وه‌ر ارومیه اینچنین نوشته است،

"حزب دمکرات در مهرگه‌وه‌ر ارومیه ۳۰ پیشمرگ کومهله را کشت که ۱۴ نفر از آنها زمانی که زخمی بودند به اسارت افراد دمکرات درآمده بودند. همگی ۱۴ نفر توسط دمکراتها اعدام شدند.

دمکراتها در همانجا به جسد سه پیشمرگ جانباخته خدیجه احمدی، منیره مدرسوی و نسرین حسن خالی تجاوز جنسی کردند."

طنز تلخ تاریخ این است که این جریان اسم خود را حزب دمکرات گذاشته است و رهبرش عبدالرحمان قاسملو تصمیم گیرنده اصلی در این جنایات لقب "پیامبر آشتی" از طرف حزبش به او داده شده است!؟

یکی از کادرهای حدکا (م.ن) تعریف کرد، در دهه ۶۰ بخشی از چریکهای فدائی خلق از طرف حزب دمکرات تهدید شده بودند که گویا مقرراتی که حدکا تعیین کرده است را رعایت نکرده‌اند. روزی هیئتی از طرف آنها برای حل مشکل به پیش ما آمدند و در دیداری که با قاسملو داشتند من هم حضور داشتم. در جریان بحثها مسئول هیئت چریکها گفت، شما اگر همان دمکراسی که شعار اصلی خودتان "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کوردستان" را در عمل رعایت کنید دیگر هیچ اصطکاکی بین ما پیش نمی‌آید. بعد از پایان دیدار و رفتن آنها، قاسملو با شوخی به من گفت این برادران انگاری شعار ما را درست درک نکرده‌اند، ما نگفته‌ایم دمکراسی برای کوردستان، ما گفته‌ایم دمکراسی برای ایران.

این گفته قاسملو هر چند شوخی بوده است اما حقیقتی در آن نهفته بود و آن این بود که قاسملو هیچ باوری به اجرای دمکراسی در کوردستان نداشت.

قاسملو در پی کسب حاکمیت در کوردستان بود. او برای رسیدن به این هدف مردم را همانند یک وسیله باید همراه می داشت تا در دیپلماسی، معامله و زد و بند با دولت مرکزی بکار گیرد. او فکر میکرد حزب دمکرات اکثریت مردم کوردستان را با خود دارد، خود و حزبش را حاکم کوردستان قلمداد می کرد به همین دلیل بود که موازین و قوانین احزاب و فعالیت سیاسی را در کوردستان تعیین می کرد. اگر جریانی سیاسی قوانین بازی آنها را رعایت نمی کرد مورد بازخواست و خشونت قرار میگرفت، چون معادله رسیدن به قدرت او به هم میخورد و این قابل قبول نبود.

حزب دمکرات برای خاموش کردن دیگر گرایشهای سیاسی در کوردستان به اکثر احزاب سیاسی آن دوران حمله نظامی کرد. از آن جمله می توان به حمله نظامی حدکا به این احزاب اشاره کرد.

۲۵. اسامی احزابی که حدکا مورد هجوم نظامی قرار داده است

۱. کومهله سازمان انقلابی زحمتکشان کوردستان ایران
۲. کومهله یکسانی
۳. سازمان پیکار
۴. سازمان چریکهای فدایی اقلیت
۵. سازمان خبات
۶. حزب دمکرات کردستان (پیروان کنگره چهارم)
۷. حزب دمکرات کردستان ایران- رهبری انقلابی
۸. راه کارگر
۹. چریکهای فدایی آرخوا
۱۰. سازمان طوفان
۱۱. حزب دمکرات کوردستان عراق (قیاده موقت)

سازمان پیکار در مقاله‌ای به ضعف قاسملو در زندان ساواک اشاره کرده بود، به همین دلیل در تاریخ ۷ اسفند ۱۳۵۸ مقر سازمان پیکار در شهر بوکان با آرپی جی و سلاح‌های دیگر از طرف حزب دمکرات مورد حمله قرار گرفت که ۳ تن از پیشمرگان پیکار جان باختند.

آذر سال ۱۳۵۸ واحدی از پیشمرگان کومه‌له یکسانی در روستای مولاناوا دیواندره مورد یورش نظامی حزب دمکرات قرار می‌گیرند. در این حمله یکی از پیشمرگان کومه‌له یکسانی به اسم حسن اقبالی زخمی و اسیر می‌شود که همانجا از طرف حزب دمکرات اعدام می‌شود.

خلع سلاح و زندانی کردن علی قاضی فرزند قاضی محمد و رفقاییش توسط حدکا. (این جمع حدود ۱۰۰ نفر بودند).

حزب دمکرات در همان اوائل انقلاب در هر جای کوردستان که توانش می‌رسید، به اشکال مختلف از فعالیت سیاسی و تشکیلاتی کومه‌له جلوگیری میکرد. حدکا در سال ۱۳۶۱ در روستای برده سور با تعداد زیادی به مقر کومه‌له میروند. پیشمرگهای کومه‌له حدوداً ۱۲ پیشمرگ و اکثراً کادرهای سیاسی و مشغول فعالیت سیاسی و تبلیغی در آن منطقه بودند. دمکراتها با حيله که گویا هدف گفتگو با پیشمرگان کومه‌له را دارند وارد مقر میشوند. در حین گفتگو تمام پیشمرگان کومه‌له را اسیر می‌کنند و در همانجا در مقره کادر خوشنام کومه‌له به اسامی عزیز بایزیدی، حسین عبدالی و عطا سلیمان محمد، قادر بوکانی و عبدالله مکلای را اعدام میکنند.

حزب دمکرات در سال ۱۳۶۱ در روستای سرتکی سردشت در یک حمله غافلگیرانه به مقر سازمان خبات یورش برد و ۸ نفر از نیروهای خبات را زخمی کردند.

سحرگاه ۲۵ آبان ۱۳۶۳ نیروهای حزب دمکرات غافلگیرانه و به دور از انتظار مقرهای کومه‌له در نوسود و سویسمه در هورامان را مورد تهاجم قرار میدهند،

که ۳ پیشمرگ کومه‌له را می کشند و ۱۰ پیشمرگ دیگر را اسیر می کنند، که بعداً همگی را اعدام کردند. بر اساس گفته کومه‌له، دو نفر از اعدامیان زخمیانی در حال درمان در یک درمانگاه صحرایی بودند که نیروی‌های دموکرات آنها را در همان وضعیت اعدام کردند و سپس جنازه‌هایشان را نیز آتش زدند. در جزوه منتشر شده از سوی کومه‌له به نام "فاجعه اورامان" چنین آمده است: "یک پیشمرگ مجروح ما به نام شیخ علی همراه پیشمرگ دیگرمان بنام فرخ ادمن که مشغول پانسمان زخم شیخ علی بود، در درمانگاه بودند. پیشمرگان حزب دمکرات در نهایت جنایتکاری هر دو نفر را اسیر کرده و پس از اعدام جنازه آنان را سوزاندند، پس از این واقعه مقر و درمانگاه ما را به آتش کشاندند...".

حزب دمکرات در مواردی از جمله در سال ۱۳۶۴ در منطقه ارومیه به جنازه پیشمرگهای دختر کومه‌له تجاوز جنسی کردند. چنین رفتارها و موارد متعدد اعدام اسیران جنایت جنگی است که طبق قوانین بین المللی قابل پیگیری است.

چنین اعمال وحشتناکی توسط حزب دمکرات کوردستان زمانیست که قاسملو دبیرکل و همه‌کاره حدکا بوده‌است، صورت می‌گیرد! آیا پیامبر آشتی نامیدن قاسملو منصفانه است؟

۲۶. چرا اعلام جنگ سراسری بر علیه کومه‌له از طرف حزب دمکرات در سال ۱۳۶۳؟

برای جواب به این پرسش باید هر چند کوتاه به شرایط و اوضاع رژیم اسلامی، حزب دمکرات و کومه‌له در آن دوران اشاره‌ای داشت. رژیم اسلامی با سرکوب خونین و مشت آهنین تمام ایران را زیر سلطه خود گرفته بود. خواسته‌های دمکراتیک و برحق مردم ترکمن و خلق عرب را با سرب و گلوله جواب داد و با گسیل ارتش و سپاه به قتل عام و سرکوب خونین، صدای حق طلبی مردمان زحمتکش آن مناطق را خفه کرد. اما رژیم اسلامی در کوردستان برخلاف بیشتر نقاط دیگر ایران هیچ نفوذ و پایگاه مردمی نداشت.

در کوردستان برخلاف دیگر نقاط ایران که از همان روزهای اول انقلاب ۱۳۵۷ جریان اسلامی مرتجع و تندرو به رهبری خمینی توانستند انقلاب را به نفع خود صادره و کنترل کنند در کوردستان انقلاب ۵۷ در حال تداوم و اعتلا بود. رژیم اسلامی برای جلوگیری از ادامه این روند در سال ۱۳۵۸ با تمام قوا به کوردستان یورش نظامی آورد، اما با مقاومت مردم روبرو شد و بعد از سه ماه شکست خورد و مردم دوباره اداره جامعه را در اختیار گرفتند. رژیم با تجدید قوا و سازماندهی جدید و به کارگیری هزاران نفر از فالانترترین نیروهای سپاه و بسیج که تنها آرزویشان شهید شدن و به بهشت رفتن بود در سال ۱۳۵۹ دوباره به کوردستان حمله کرد. هر چند رژیم با به کارگیری ارتش و هزاران حزب الهی و سنگینترین سلاح‌ها چون تانک، توپ و هلیکوپتر کوردستان را اشغال کرد اما برای پیشروی و اشغال هر مکانی با مقاومت قهرمانانه مردم کوردستان و پیشمرگان روبرو و مجبور به تلفات سنگینی می شد.

بعد از سال ۱۳۶۲ زمانی که رژیم اکثر نقاط کوردستان را اشغال کرده بود، مطرح ترین نیروهایی که مبارزه مسلحانه را بر علیه رژیم پیش می بردند، حزب دمکرات و کومه‌له بودند. این دو جریان در طی چند سال مبارزه مسلحانه با کسب تجارب نظامی و سازماندهی نیروهای خود به شیوه جنگ پارتیزانی و با پشتیبانی توده‌های مردم کوردستان ضربه‌های مهلکی بر رژیم می زدند. هر چند کوردستان تماما ملیتاریزه و بیشترین مناطقش همانند موریانه از نیروهای رژیم درهم تنیده شده بود اما از شمال تا جنوب کوردستان به میدان عملیات های موفقیت آمیز، رعداسا و پارتیزانی نیروهای کومه‌له و دمکرات بدل گشته بود. این در شرایطی بود که رژیم درگیر جنگ با عراق و احتیاج مبرم به نیرو و تجهیزات جنگی در این میدان جنگی داشت، اما مجبور بود برای سرکوب جنبش انقلابی کوردستان هزینه‌های هنگفتی همراه با هزاران نیرو مخصوصا متعصب ترین و شرورترین نیروهای خود را در کوردستان به کار گیرد و از کمک جستن از آنها بر علیه عراق بهره نجوید. از طرف دیگر به دلیل زنده و در جریان بودن جنبش انقلابی کوردستان جوانان کوردستان به سربازی تن نمی سپردند و رژیم هم از ترس پیوستن جوانان به پیشمرگان استفاده از زور و اجبار برای

فرستادن آنها به سربازی پرهیز میکرد. و این هم رژیم را از هزاران سرباز بی بهره می کرد.

رژیم با اعدام و کشتار خونین توانست تشکیلات و نیروهای چپ و کمونیست را متلاشی و از میدان به در کند و همچنین با همان روش خونین با ضربه‌های مهلک مجاهدین را فلج و بی عمل کند. در این مورد محمد حسین سبحانی که یکی از اعضای شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق که خود در سال ۱۳۶۱ مسئول واحدهای از مجاهدین خلق در تهران بوده است در کتاب "روزهای تاریک بغداد در ص ۵۳" می نویسد "با ضربه‌های سراسری و همزمان رژیم جمهوری اسلامی به کلیه پایگاه‌های بخش اجتماعی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ و ده مرداد ۱۳۶۱ نیز صورت گرفت. در این ضربه‌ها عملاً بیش از ۸۰٪ کادرها و مسئولین سازمان که عمدتاً در "بخش اجتماعی" سازماندهی شده بودند، دستگیر یا هنگام درگیری‌ها کشته شدند.... بعد از این مقطع تقریباً کلیه ارتباطات تشکیلاتی اعضای سازمان با یکدیگر در داخل تهران و شهرهای بزرگ از هم پاشیده شد". در چنین شرایط سیاه و ناامید کننده‌ای در کوردستان به همت کومه‌له، حزب کمونیست ایران تشکیل می شود و هزاران انسان فداکار و آرمانخواه از جمله مبارزان راسخ و صادقی از نیروهای کومه‌له، اتحاد مبارزان کمونیست و نیروهای منفرد از تشکیلاتهای چپ مانند پیکار، رزمندگان، آرخا ... دور هم جمع میشوند و تشکیلاتی وسیع و پیشرو تشکیل می دهند که نقطه امید میشود و سیمای روشنتر و پیشروتری به جنبش برابری طلبی و سوسیالیستی ایران می بخشد. و حزب دمکرات با ائتلاف با مجاهدین و وارد شدن به شورای ملی مقاومت، در کمک کردن به مجاهدین برای رهانیدن بازمانده نیروهایشان، آوردن به کوردستان و استقرار پایگاه‌های نظامی مجاهدین در کوردستان نقش مهمی ایفا کرد.

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی با گذاشتن پتانسیل و تمام توان خود با قساوت و کشتار بی رحمانه هزاران انسان، فکر میکرد نقطه پایانی بر مخالفین جدی خود زده است، کوردستان به ادامه سنگر انقلاب تبدیل شده بود و

مخالفانش در حال بازسازی خود بودند. پس رژیم بایستی در این مورد چاره‌ای می‌جست و به شکلی جنبش انقلابی کوردستان و مجاهدین را تضعیف و حتی بی‌خاصیت کند.

۲۷. مذاکرات حدکا در سال ۱۳۶۳ با رژیم اسلامی و نتایج آن

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۳ از طریق قیاده موقت با حزب دمکرات تماس می‌گیرد و پیشنهاد مذاکره به آنها می‌دهد. تجربه تاکنون نشان داده است که تمام مذاکراتی که از طرف دولت‌های سرکوبگر ملت کورد صورت گرفته است صرفاً برای فریب و راهی دیگر برای از بین بردن و ضربه زدن به مبارزه حق طلبانه آنها بوده است.

رژیم از پیشنهاد مذاکره در آن مقطع دو هدف را دنبال کرده است. یکم، شعله‌ور کردن جنگ بین کومه‌له و دمکرات، و به راه انداختن جنگ کورد با کورد که این جدا از خود مشغولی و نابود کردن همدیگر، کاشتن بذر یأس و ناامیدی بین مردم و منفعل کردن مردم کوردستان در مبارزه با رژیم بود. دوم، به هم زدن اتحاد بین حزب دمکرات و مجاهدین خلق و تضعیف این بخش از مخالفین خود.

خواست رژیم در آن مذاکرات ۱. جدا شدن حزب دمکرات از شورای ملی مقاومت.

۲. حزب دمکرات باید نشان دهد که او تنها نیرو در کوردستان است و این مسئله را در عمل نشان دهد تا رژیم بتواند با او بر سر مسئله کوردستان به مصالحه برسد. در واقع حزب دمکرات می‌بایست نیروهای دیگر را در کوردستان سرکوب کند تا جمهوری اسلامی مذاکره را با آنها ادامه دهد. طبیعتاً با توجه به رویایی شریک شدن در قدرت و عشق یکطرفه رهبری حزب دمکرات به رژیم، به پیشنهاد رژیم در مورد مذاکره لبیک گفته میشود و نشست‌هایی بین نمایندگان رژیم و حزب دمکرات در کوردستان عراق صورت می‌گیرد.

۲۸. پایان رابطه حدکا و مجاهدین

با آشکار شدن مذاکرات بین حکومت اسلامی و حزب دمکرات کوردستان، مجاهدین، حزب دمکرات را از شورای ملی مقاومت اخراج میکند.

در این رابطه مسعود رجوی به عنوان رئیس شورای ملی مقاومت در پیام مسئول شورا به تاریخ آبان ۶۳ می نویسد.

"... ضروریست در همین جا اعلام کنم که رژیم خمینی به هیچ وجه مذاکره پذیر و قابل مذاکره برای درخواست‌های عادلانه و مردمی نیست. سازمان مجاهدین خلق ایران وارد مذاکره شدن با یک چنین رژیمی را بر سر درخواست‌های سیاسی از قبیل دمکراسی یا خودمختاری در گذشته عمیقاً محکوم و از موضع ضعف تلقی کرده است..... با این‌همه در تابستان گذشته حزب دموکرات کردستان ایران که حزب هم‌پیمان ما در شورای ملی مقاومت است بشرح مندرج در نشریه کردستان (شماره ۹۹ به تاریخ شهریور ۱۳۶۳) ضمن اعلام برخی تماس‌ها از سوی مقامات و نمایندگان رژیم و انجام گفتگوی مقدماتی با آنان، تصریح نمود که آماده است تحت شرایط معینی با رژیم خمینی بر سر خودمختاری کردستان وارد مذاکره شود..."

هرچند حزب دمکرات میگوید که آنها خودشان از شورای ملی مقاومت بیرون آمده‌اند، اما تغییری در اصل مسئله نمی دهد و آن اینکه تا اینجا رژیم به یکی از اهداف خودش با طرح فریبکارانه مذاکره رسیده بود.

حزب دمکرات در پلنوم کمیته مرکزی در شهریور سال ۱۳۶۳ جنگ سراسری را علیه کومه‌له اعلام میکند. طبق اظهارات خیلی از اعضای کمیته مرکزی آن دوران حزب دمکرات، طرح و تثبیت شدن این طرح توسط قاسملو بوده است و گویا با توجه به اتوریته قاسملو بر کمیته مرکزی و حزب دمکرات کسی مخالفت نکرده است، اگر چه عبدالله حسن زاده مخالف آن بوده است اما صدایش را درنیاورده است. رحمان حسین زاده و ایرج فرزاد از اعضای کمیته

مرکزی کومه‌له در نشریه ایسکرا به تاریخ ۸ اسفند ۸۲ در مقاله‌ی " توضیحاتی بر اسنادی مهم" می نویسند. " کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در پلنوم خود در شهریورماه ۱۳۶۳ رسماً جنگ سراسری علیه کومه‌له را اعلام کرد. سه ماه بعد در ۲۵ آبان همان سال با تعرض نظامی در اورامانات این جنگ را شروع کرد."

۲۹. نامه قاسملو در مورد روا دانستن جنگ با کومه‌له

نامه‌ای از قاسملو در مورد اقناع، توجیه و آماده کردن صفوف پیشمرگان حزب دمکرات برای جنگ با کومه‌له فاش شد. در این نامه قاسملو جنگ با کومه‌له را " روا و محق" قلمداد میکند. این نامه از صفحه فیسبوک کریم کاکه سوری یا کریم خالدار از فرماندهان مشهور حزب دمکرات گرفته شده است، این نامه به کوردی است و ترجمه آن توسط کریم کاکه سوری انجام شده است. کریم کاکه سوری خود مورد اتهام است که حمله به مقر پیکار در بوکان در سال ۱۳۵۸ به فرماندهی او بوده است.

نامه قاسملو برای مرکز فرماندهی آژوان.

" رفقای عزیز آژوان، سلامی گرم و انقلابی

رفقا هر چند تا امروز چندین پیام کلی در خصوص عملیات نظامی برای شما ارسال کرده ام اما باز هم دوست دارم توجه شما را به چند مسئله جلب کنم.

۱. بار دیگر از شما درخواست می کنم کاری کنید که پیشمرگان ما غافلگیر

نشوند و هوشیار باشند و در هر زمانی نگهبانی و کمین را ایجاد کنند.

۲. ما با کومه‌له جنگ خاک و زمین نداریم هدف ما خسته کردن، ضربه زدن و

ضعیف کردن کومه‌له است خواهشمندم این مسئله را از یاد نبرید.

۳. هر چند تعداد پیشمرگان ما از آنها بیشتر است و پیشمرگان ما جنگاور تر و

جنگی تر هستند اما نه تنها نتوانستیم ضربه آن چنانی به کومه‌له بزنیم بلکه

ضربه هم خوردیم من فکر می کنم در شیوه جنگیدن و تاکتیک خودمان با

کومه‌له باید تجدید نظر و بازنگری کنیم و خودمان را بهتر برای جنگ با کومه‌له

آماده کنیم.

۴. در جنگ با کومله باید صبر و حوصله داشته باشیم، چون این جنگ، جنگی بر حق است و نباید عجله کنیم و دستپاچه شویم و خودمان را ببازیم.

۵. همچنانکه قبلا اعلام کردیم بهتر است برنامه را مطالعه کنیم و بعد از ارزیابی همه جانبه آن را اجرایی کنیم و ضربه تندی به کومله بزنیم و در همان حال نیز در جای خود ضربات خود را برای نابودی کومله و ضعیف شدن کومله بزنیم. به ما خبرهایی رسیده که افراد مسلح کومله در جنوب خیلی خسته شده اند و وضع شان خوب نیست برای همین باید به حملات خودمان ادامه دهیم.

۶. خواهشمندم در ارسال اخبار جنگ با کومله دقت کنید. اول اینکه خبر راست و درست را برای من بفرستید و دوم اجازه ندهید تا کومله خبر خود را پخش کند و بعد از آن خبر را برای من بفرستید.

بار دیگر به شما درود می فرستم و برایتان آرزوی سلامتی و پیروزی دارم.
امضاء عبدالرحمان قاسملو".

قاسملو در شرایطی در نشست با قاتلین رده‌های پائین سپاه پاسداران به قتل رسید که برای نشست و دیدار با آنها هیچ پیش شرطی نداشت در صورتیکه برای نشست و آتش بس با کومه‌له پیش شرط‌های غیر منطقی و غیر ممکن گذاشته بودند. در نشریه کوردستان شماره ۱۰۳ در این مورد از جمله آمده بود.

" - اول کومه‌له بگوید حزب دمکرات اصیل و انقلابی است.
-دومان ...

-ثالثا این واقعیت را بپذیرد که کومه‌له در کوردستان نماینده اقلیتی ناچیز است و اگر کومه‌له طرفدار دمکراسی است باید اراده اکثریت -حزب دمکرات- را بپذیرد."

قاسملو زمان ترور شدنش در عین به اصطلاح مذاکره در مقابل رژیم جنایتکار اسلامی ایران آنچنان منعطف، سازشکار و صلح طلب بود، که جنگ تحمیلی او

بر علیه کومه‌له وارد پنجمین سال و بر بخش دیگری از حزب دمکرات رهبری انقلاب وارد دومین سال شده بود. بعد از ترور قاسملو جنگ حزب دمکرات با کومه‌له و حزب دمکرات رهبری انقلابی پایان یافت.

قاسملو با شروع مبارزه در سنین نوجوانی، سالها مبارزه در حزب توده، ارتقا و فرم گرفتن در قالب توده‌ایها، تجربه از ساواک، رفتن به کوردستان عراق و ادامه فعالیت و شناخت از تجارب حزب دمکرات کوردستان عراق و شگردهای مصطفی بارزانی، اخراج از حدکا، برگشتن به حدکا و بدر کردن رقبا و منتقدین سیاسی خود در حزب، کسب کردن جایگاه فردی بلامنازع و بدل شدن به رهبری بی بدیل در حزب، تحصیلات آکادمیک و تجربه کاری در همان سطح در اروپای شرقی و شناخت کامل او از سیستم توتالیتیر در آنجا که قاسملو خود متعلق به آن تفکر و قرار بود آن جوامع به شیوه انسانی و دمکراتیک عمل کنند، قاسملو را از اراده اعمال مردم برای رسیدن و اداره جامعه به شیوه دمکراتیک را رویگردان و ناامید میکند. اما او شیفتگی به قدرت را رها نمی کند. و برای رسیدن به آن حتی حاضر است با شروع جنگ سراسری با کومه‌له سرنوشت جنبشی را به نابودی بکشانند.

شیفتگی به قدرت از یک سوی، خودمحوری و وسوسه‌ی رسیدن به آن از طرف دیگر قاسملو را

تا جایی پیش می برد که یک تنه و تنها تصمیم به نشست با رژیم و "مذاکره" در مورد حل مسئله کورد میگیرد. اگر قرار است مذاکره‌ای در مورد حق مردم کورد صورت گیرد چطور است آن مذاکره از خود مردم کورد، یعنی صاحبان آن مخفی نگه داشته شود؟ همزمان این "مذاکره" حتی از اعضای کمیته مرکزی حزبش هم مخفی نگه می دارد.

نهایتا قاسملو با استفاده غلط از جایگاه خود در حزب دمکرات و پتانسیل مسئله ملی کورد در کوردستان ایران برای رسیدن و شریک شدن در قدرت به هر وسیله‌ای، در دام تروریستهای جمهوری اسلامی می افتد. نتیجه فعالیت سیاسی تمام عمر خود را فاجعه‌بار چه از نظر شخصی برای خود او و چه از بعد

سیاسی مبارزه در کوردستان ایران با معماری جنگی ویرانگر داخلی و به کام مرگ بردن صدها پیشمرگ پیگیر و صادق به ختم پایانی غمبار رسانید. تاوان این جاه طلبی قاسملو را هزاران تن از انسان ها از جمله مادران این جان باختگان جنگ داخلی با آتش و سیه روزی دادند. تاریخ نباید رنج این مادران را فراموش کند!

سخن پایان

هدف این نوشته انتقاد و یا زیر ذره بین گذاشتن رحمان قاسملو مثل فرد نیست، حتی نقد از رهبری ناتوان حزب دمکرات در مقابل یکه تازی، خودمحوری، خودکامگی و مخرب و نهایتا کنترلگر قاسملو بر حزب دمکرات نیست. نتایج فاجعه بار تصمیمات قاسملو همچون تصمیم اعلام جنگ سراسری بر علیه کومه له، نشست با پاسداران رده پایین و جانی رژیم حتی بدون اطلاع دفتر سیاسی حزبش و ده ها زیان دیگر که ناشی از چنین شکلی از رهبری است.

این نوشتار نیز نقدی به پدیده قاسملو دارد. این پدیده و یا شکل از رهبری در مبارزات ملت کورد پدیده ای جاافتاده، شناخته شده و بسیار قدیمی است. این شکل از رهبری بخشی از سنت کهن عشیره ای و فئودالی را با خود دارد که با دنیای مدرن امروزی قرابتی ندارد. چنین شیوه رهبری همین امروز هم در احزاب کورد در تمام بخشهای کوردستان به وضع دیده میشود. قطعا مبارزات ملت کورد با ساختار چنین رهبری راهی را به آشیانه نخواهد برد. پدیده قاسملو باید زنگها را به صدا در آورده باشد و درآورد که تغییرات بنیادی در شکل و مضمون رهبری احزاب دخیل در مبارزات حق طلبانه کوردستان ضروری است.

منابع

۱. نوشیروان مصطفی کتاب، پنجه‌کان یه‌کتری ئەشکینن.
۲. سایت ویکی لیکس (سایت افشاگرها) <https://search.wikileaks.org/?q=qasmle+pdki>
۳. حزب توده ایران و جنبش ملی کرد در ایران (۱۳۶۱-۱۳۵۷) از د. کامران امین آوه.
۴. کتاب، خاطرات نورالدین کیانوری.
۵. عبدالله حسن زاده کتاب، نیم قرن کوشش و فعالیت (مترجم، حامید ره‌شیدی زهرزا).
۷. کریم حسامی کتاب، له‌بیره‌وه‌ریه‌کانم ، به‌رگی چه‌وته‌م.
۸. کریم حسامی کتاب، له‌بیره‌وه‌ریه‌کانم ، به‌رگی دووهم.
۹. کریم حسامی کتاب، له‌بیره‌وه‌ریه‌کانم ، به‌رگی پینجه‌م.
۱۰. جلیل گادانی کتاب، په‌نجا سال خه‌بات، به‌رگی یه‌که‌م.
۱۱. جلیل گادانی کتاب، په‌نجا سال خه‌بات، به‌رگی دووهم.
۱۲. حسن رستگار کتاب، برگه‌یه‌ک له ژیان و خه‌باتم، به‌رگی ۲.
۱۳. هاشم کریمی کتاب، بیره‌وه‌ریه‌کانم.
۱۴. غنی بلوریان کتاب، ئاله کوک.
۱۵. اسماعیل عجم کتاب، خاطرات یک سوسیالیست آذربایجانی.
۱۶. جزوه منتشر شده از سوی کومه‌له به نام " فاجعه اورامان ".
۱۷. ایسکرا ویژه ۸ اسفند ۱۳۸۲ توضیحاتی بر اسنادی مهم ، رحمان حسین زاده و ایرج فرزاد.
۱۸. محمد حسین سبجانی کتاب، " روزهای تاریک بغداد ".
۱۹. فردریش نیچه کتاب، " غروب بت ها ".